

میراث شکوه؛ از حافظه تاریخ تا افق آینده روایتی از مسئولیت جمعی، شایسته‌سالاری و دیپلماسی عزت در مکتب شهید خامنه‌ای



علیرضار جانی

بخش نخست: اندیشه و فرهنگ

تاریخ، دفتر خاموشی نیست که فقط روایت‌کننده آنچه گذشته است باشد؛ تاریخ، حافظه زنده ملت‌هاست. در سطرهای آن، نه تنها نام فرمانروایان و بزرگان، بلکه اندیشه‌ها، آرمان‌ها، تجربه‌ها و انتخاب‌هایی ثبت می‌شود که مسیر یک جامعه را دگرگون کرده‌اند. هر نسل، درحقیقت حلقه‌ای از زنجیره‌ای بلند است که گذشته را به آینده پیوند می‌دهد و مسئولیت دارد آنچه را به امانت گرفته، با غنا، خرد و تجربه‌ای افزون به نسل پس از خود بسپارد. میراث، تنها آنچه در موزه‌ها نگهداری یا در کتاب‌های تاریخ روایت می‌شود نیست. میراث، شیوه اندیشیدن، فرهنگ کار، اخلاق اجتماعی، احترام به دانش، احساس مسئولیت و توانایی همدلی میان انسان‌هاست. جامعه‌ای که این سرمایه‌های نامرئی را پاس می‌دارد، حتی اگر روزگاری با دشواری‌های فراوان روبه‌رو شود، از درون خود ظرفیت بازسازی و نوسازی را خواهد یافت. اما جامعه‌ای که این سرمایه‌ها را نادیده بگیرد، هر اندازه از امکانات مادی برخوردار باشد، دیر یا زود با فرسایش اعتماد، کاهش سرمایه اجتماعی و سستی بنیان‌های توسعه مواجه خواهد شد. تمدن‌ها با یک تصمیم بزرگ ساخته نمی‌شوند؛ بلکه از هزاران تصمیم کوچک، درست و مسئولانه شکل می‌گیرند. هر معلمی که دانشی را با صداقت منتقل می‌کند، هر پژوهشگری که حقیقت را بر منفعت ترجیح می‌دهد، هر صنعتگری که کیفیت را قربانی شتاب نمی‌کند و هر شهروندی که مسئولیت اجتماعی خود را جدی می‌گیرد، درحقیقت معمار بنای آینده است. این حقیقتی است که تاریخ بارها آن را به زبان‌های گوناگون بازگو کرده است.

پیشرفت، پیش از آنکه مفهومی اقتصادی باشد، یک فرهنگ است. فرهنگ یادگیری، فرهنگ گفت‌وگو، فرهنگ نقدپذیری و فرهنگ احترام به تخصص، ستون‌هایی هستند که هر جامعه‌ای برای دستیابی به آینده‌ای پایدار به آنها نیاز دارد. هیچ فناوری، هر اندازه پیشرفته، جایگزین اندیشه مسئولانه نمی‌شود و هیچ برنامه‌ای، هر اندازه دقیق، بدون سرمایه انسانی توانمند به سرانجام مطلوب نخواهد رسید. از همین رو، شایسته‌سالاری فقط یک اصل مدیریتی نیست، بلکه نشانه بلوغ یک جامعه است. هنگامی که معیار انتخاب افراد، دانش، تجربه، صداقت و توانایی باشد، اعتماد عمومی نیز تقویت می‌شود و سرمایه اجتماعی، که مهم‌ترین پشتوانه هر ملت است، رشد می‌یابد. در چنین فضایی، رقابت جای خود را به دشمنی نمی‌دهد و تفاوت دیدگاه‌ها به فرصتی برای تکمیل اندیشه‌ها تبدیل می‌شود. یکی از ویژگی‌های جوامع بالنده، توانایی آنها در آموختن از تجربه است. تجربه، اگر با تأمل همراه نشود، فقط خاطره‌ای گذرا خواهد بود؛ اما هنگامی که به دانشی مشترک تبدیل شود، چراغ راه آینده می‌شود. ملت‌هایی که از کامیابی‌ها و ناکامی‌های خود درس می‌آموزند، کمتر ناگزیر از تکرار خطاهای گذشته خواهند شد و با اطمینان بیشتری مسیر رشد را ادامه خواهند داد. در دنیای امروز، سرعت تحولات بیش از هر زمان دیگری است. فناوری، ارتباطات، اقتصاد و دانش، مرزهای سنتی را دگرگون کرده‌اند. با این همه، ارزش‌هایی همچون امانت‌داری، عدالت،

احترام، مسئولیت‌پذیری و تلاش صادقانه همچنان ستون‌های اصلی پیشرفت به شمار می‌روند. ابزارها تغییر می‌کنند، اما اصول ماندگار، همان‌هایی هستند که انسان را به سوی تعالی رهنمون می‌شوند. آینده را نمی‌توان تنها با آرزو ساخت؛ آینده را با برنامه‌ریزی، پشتکار، نظم، خلاقیت و همکاری می‌سازند. جامعه‌ای که به جای مصرف تجربه دیگران، خود به تولید اندیشه، دانش و نوآوری روی آورد، نه تنها در مسیر توسعه گام برمی‌دارد، بلکه الهام‌بخش دیگران نیز خواهد بود. این مسیر، صبر می‌طلبد، اما دستاوردهای آن پایدار و ماندگار است. از این منظر، «میراث شکوه» صرفاً عنوانی برای یادآوری گذشته نیست؛ بلکه دعوتی است به مسئولیت در برابر آینده. شکوه واقعی در حفظ گذشته متوقف نمی‌شود، بلکه در توانایی ساختن فردایی بهتر جلوه می‌کند. هر نسلی که بتواند بر سرمایه‌های علمی، فرهنگی و اخلاقی جامعه بیفزاید، درحقیقت برگ تازه‌ای بر دفتر افتخار آن ملت خواهد افزود.

بخش دوم: سیاست و راهبرد

آنگاه که تاریخ در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز در جست‌وجوی نام‌هایی برای ثبت شکوه ایستادگی یک ملت برمی‌آید، به قامت‌هایی می‌رسد که نه تنها زمانه خویش، بلکه افق‌های آینده را نیز درنور دیده‌اند. رهبر شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رضوان‌الله‌علیه از تبار همان قله‌های استوار است؛ شخصیتی که در سال‌های رهبری خویش، دیپلماسی را از سطح مناسبات سرد قدرت، به مرتبه‌ای از رسالت تمدنی ارتقا داد و سیاست خارجی را به زبان گویای کرامت یک ملت بدل ساخت. تجربه‌های دشوار سال‌های اخیر که با تحمیل دو جنگ تجاوزکارانه علیه کشور عزیزمان همراه بود، به روشنی نشان داد که دیپلماسی در نقاط عطف تاریخی، آینده‌ای از هویت و اراده ملی است. میراث

برجای‌مانده از آن رهبر فقید در عرصه سیاست خارجی، روایتی زنده از پیوند میان عزت ملی، حکمت سیاسی و مصلحت‌سنجی هوشمندانه است که در میان امواج پرتلاطم تحریم، فشار، تهدید و جنگ، جایگاهی متمایز برای جمهوری اسلامی رقم زده است. این سرمایه‌گران‌قدر بر اصل بنیادین استقلال استوار است؛ استقلال‌هایی که نه به معنای انزوا، بلکه به مفهوم حضوری فعال، اثرگذار و غیروابسته در نظام بین‌الملل تعریف می‌شود. در این منظومه فکری، دیپلماسی زمانی معنا می‌یابد که ملت خود را موضوع تعامل بداند، نه ابزار معامله. میراث ایشان بر بنیانی عمیق از هویت اسلامی-ایرانی بنا شده که در آن، منافع ملی در امتداد ارزش‌ها تعریف می‌شود و تلفیق آرمان‌گرایی با واقع‌بینی، دیپلماسی را از معامله‌ای بی‌روح و بی‌حقیقت فرما می‌رانند. اما در کنار این اصول راهبردی، امروز با پدیده‌ای شوم مواجهیم؛ نفوذ دشمن که گاه در شعارهای دوستان و هم‌سوهای ظاهری تجلی می‌یابد. این طبیعی است که دشمن از همان دریچه دوستان ناآگاه یا مغرض نفوذ کند. متأسفانه، برخی افراد غیرحرفه‌ای با ارائه آدرس‌های غلط، در تله و بازی حریف افتاده و منافع ملی را با چالش مواجه می‌کنند. دشمن بیرونی هرگز کامروا نمی‌شود، مگر آنکه از عناصر داخلی و شکاف‌های گسست بهره گیرد؛ فرقی نمی‌کند در چه لباسی طلوع کند. ما باید اوضاع را چنان رقم‌بزنیم که «آتش‌بختیار» به خرد و دانش فنی گره بخورد و با بهره‌گیری از «ابریستم موزائیکی»، جهل‌زدایی و اقبال‌کشور را میسر کنیم. انتصاب کارگزاران تکلیف‌محور با شناخت کامل از مختصات، امری اجتناب‌ناپذیر است و پرهیز از سپردن زمام امور به افراد ناکارآمد (کوتله)، خط قرمز امروز نظام است. کشور ما طاقت آزمون و خطاهای پیاپی را ندارد؛ زمام امور باید به دست خیرگان و نجبان معتقد بیفتد، نه آنکه انگ‌زدن و تخریب رفتار جهادی، دستاورد محافظه‌کاران بی‌عمل باشد. در این میان، چه وضعیتی اسف‌بارتر از

اینکه به هیئت مذاکره‌کننده نظام در خیابان و در هنجار دشمن، دشنام دهند و تردیدافکنی کنند؟ ما باید با مهندسی هوشمندانه در دو جبهه دفاع و حمله، مذاکره و مجادله، مقابله و حمله، توأمان پیش برویم. این عرصه، عرصه بصیرت و شجاعت است. در نهایت، سیاست خارجی ترسیم‌شده در مکتب شهید خامنه‌ای، چیزی جز «دیپلماسی مقاومت‌محور» نیست؛ دیپلماسی‌ای که با اتکا و پناه به حق تعالی، ایستادگی و شجاعت را با عقلانیت دیپلماتیک پیوند می‌زند تا هم اقتدار ملی حفظ شود و هم زمینه‌های همکاری و اثرگذاری فراهم گردد. این وعده الهی است که ایران و امت اسلامی، با تکیه بر این میراث شکوهمند، در برابر هر توطئه‌ای پیروز و سربلند خواهند ماند؛ شک نکنید.

سخن پایانی

بزرگ‌ترین میراث هر جامعه، نه بناهای باشکوه، نه گنجینه‌های مادی و نه حتی خاطرات پرافتخار، بلکه انسان‌هایی هستند که آموخته‌اند دانایی را با فروتنی، قدرت را با مسئولیت، و موفقیت را با خدمت به دیگران همراه سازند. چنین میراثی هرگز کهنه نمی‌شود؛ زیرا در قلب انسان‌ها، در فرهنگ جامعه و در افق آینده به زندگی خود ادامه می‌دهد و نسل‌های بعدی را نیز به ساختن، آموختن و امید داشتن فرامی‌خواند.

